



### تعدادی فوت کن

۱ ماه کار آزمایشی  
در ساعات ۴ تا ۶ عصر مسلط به  
فوت‌های محکم بدون تف  
جهت همراهی  
در خیابان

+ بیمه بدنه و جای خواب

### دستگاه کارتخوان

به تعدادی دستگاه کارتخوان  
خراب و از کار افتاده در حد نو  
نیازمندیم.

خرید به  
قیمت استثنایی

+ انجمن پزشکان کم درآمد

### تعدادی مادر بزرگ

جهت مبارزه  
با مصرف بی‌رویه دارو  
تجویز جای نبات و عرق نعناع  
سنتی به جای سرم قندی نمکی

+ یک دست دندان  
مصنوعی رایگان و تسهیلات  
خرید نبات و عرق نعناع

### تعدادی کارتن یخچال

ساید بای ساید

تقریباً نو  
مناسب جهت سکونت موقت تا  
پیدا کردن خانه

جهت مبارزه  
با دهن کجی صاحبخانه  
+ زیر قیمت مصوب

# بسته آرام بخش

## بسته حمایتی مستأجران شامل چه چیزهای دیگری است؟

**سه- وام ودیعه مسکن**  
طبق آمار خبرگزاری‌ها تا الان که آخرین روز خرداد باشد، فقط ۴۶ سرپرست خانواده توانسته‌اند این وام را دریافت کنند.  
برای سایر کسانی که نتوانسته‌اند وام را دریافت کنند یا بعداً برای بازپرداختش دوباره باید وام بگیرند نیز در این بسته حمایتی پروشور آموزشی «۱۰ راه کاهش استرس و عصبانیت» به تعداد محدود تهیه شده. از جمله راه‌های پیشنهادی در این پروشور به خوردن انبه، عسل، نفس عمیق، آب یخ و شمردن معکوس اعداد اشاره شده است.  
همچنین یک سامانه برای ثبت‌نام و دریافت این بسته که شامل «جعبه ۶ تایی دمنوش بابونه و عرق دوآتشه گل گاوزبان و پروشور آموزشی و راه‌های آرام‌بخش» است، طراحی شده که به‌زودی در دسترس کاربران قرار می‌گیرد. نام کاربری ورود به این سامانه نیز کد ملی سرپرست خانوار است.  
سرپرستان خانوار می‌توانند هزینه تهیه این بسته را از یارانه اضافی و باقی مانده هر سه‌ماهه خانواده تهیه کنند.  
در ادامه این طرح حمایتی ذکر شده همه مستأجران بیمه هستند اما برای احتیاط، خود را بیمه عمر هم بکنند.

فروغ زال  
تب و تاب بالای ودیعه و اجاره‌بهای ناچونامردانه‌ای که تن و کمر مستأجران را به جای مستکبران به لرزه در آورده، باعث شد تا بسته‌ای با عنوان «بسته حمایتی مستأجران» صادر شود. این بسته حمایتی مواردی دارد که رسانه‌های نشده‌اند تا یک وقت «صاف» تشکیل نشود.  
**یک- مالیات بر خانه‌های خالی**  
با این قانون قرار بود مالکان بی‌تربیتی که خانه‌هایشان را وارد عرصه رهن و اجاره نکرده‌اند، متنبه شوند اما نشدند و اثرگذاری این قانون بر کاهش هزینه اجاره‌بهای مسکن، مانند مالیدن نرم کننده مو بر تیغ‌های خاریشت بود. اگرچه این قانون نتوانست التیامی بر درد مستأجران باشد اما در بسته حمایتی دولت، «جعبه ۱۲ تایی دمنوش بابونه» برای مستأجران پیشنهاد شده است.  
**دو- تمدید خودکار قراردادها بین ۲۵ تا ۲ درصد**  
درست است که چاره‌ای برای کسانی که باید به خانه جدیدی نقل مکان کنند یا مالک‌شان بلد بوده و گفته خودم می‌خواهم ساکن شوم و باید خالی کنید قید نشده، اما به دلیل بالا گرفتن نزاع و احتمال بروز صدمات روانی، در بسته حمایتی مستأجران، «یک بطری یک لیتری عرق دو آتشه گل گاوزبان» قرار گرفته است.



محدثه موهزی

**فروردین:** این هفته خود را ثروتمندترین ایرانی بدانید. در این هفته یک نفر اشتباهی پولی را به حساب شما واریز می‌کند که پول کمی هم نیست. ولی به نظرم دست به آن نزنید، چون طرف ریال به ریالش را از ته حلق حسابتان بیرون می‌کشد. مثل یک آدم شریف خودتان ببرید پس بدهید بلکه یک مشتلقی هم بگیرید.  
**اردیبهشت:** پول‌هایتان را جمع کنید! کنسرت خواننده محبوبتان نزدیک است؛ تقریباً سه ماه دیگر، بعد از محرم و صفر! شاید از نظر شما خیلی هم نزدیک نباشد ولی با این قیمت بلیت کنسرت، روز الان پول‌هایتان را جمع کنید، روز قبل از خرید هم یک مقدار دستی قرض بگیرید، می‌توانید بلیت تهیه کنید.  
**خرداد:** این هفته خیلی سرتان خلوت است تازه کفشتان هم پاره می‌شود! حالا کفش با قیمت مناسب از کجا گیر بیاورید؟ آقا من هم موافقم؛ بیا باید دهمایی پلاستیکی پوشیدن را مد کنیم. مثلاً الان که تابستان است از این سوراخ‌سوراخ‌دارها بیوشیم.

**تیر:** یک اتفاق نادر! قرار است گوش شیطان کرایه هفته پنج صفحه کتاب بخوانید! فکر کنم اتفاقی و از پیش تعیین نشده باشد. به نظرم فرصت را غنیمت شمرده و از چهل و هشت زاویه از کتاب، کتاب و ماگ قهوه، کتاب و هندزفری، کتاب و گلدان کاکتوس و... کسک بگیرید و در صفحه خود منتشر کنید. امید است ملت بفهمند صفحه چه فرهیخته‌ای را دنبال می‌کنند!

**مرداد:** این هفته به آرایشگاه بروید. آرایشگران خبر خوبی شنیده، کیفش کوک است. موهایتان را خیلی تمیز اصلاح و رنگ می‌کند، دقیقاً عین همان چیزی که می‌خواهید.  
**شهریور:** چه هفته زیبایی! ماشین

را می‌برید کارواش، ولی نه باران می‌آید نه کفترهای مازیار، پسر همسایه‌تان، ماشین را مورد عنایت قرار می‌دهند. البته اینکه روی ماشین روکش می‌کشید هم بی‌تأثیر نیست.  
**مهر:** فکر کنیم این هفته دیگر کتاب‌خانه را ببرید پس بدهید. یعنی خواهش می‌کنم ببرید پس بدهید. اگر کتاب‌هایی که از کتابخانه امانت دستتان مانده را پس بدهید، یقیناً فرهنگ و آگاهی این کشور یک تکان اساسی می‌خورد!  
**آبان:** این هفته نان تان در روغن است. کارمند بانک به خاطر نقص در مدارک مربوط به وام ۵ میلیونی تان به شما غر نمی‌زند و یک جوری رفع و رجوعش می‌کند و خلاصه پولدار می‌شوید.  
**آذر:** این هفته یکی از گلدان‌هایتان خشک می‌شود. نه نشانه؛ خشک می‌بختی است نه شومی؛ یک تکانی به خودتان بدهید به گلدان‌های زبان‌بسته‌تان آب بدهید. از آن پتوس ابلق هم یک قلمه به من بدهید تا خدا شما را بیخشد.  
**دی:** این هفته کانون خانواده‌تان خیلی گرم می‌شود. تو رو خدا بی‌خیال قبض آب و برق شوید، بگذارید کولر را روشن کنند. گرم‌ههه!  
**بهمن:** این هفته اگر رفتگر محل در خانه‌تان را زد، نه ماهانه می‌خواهد نه عیدی! می‌خواهد فحش تان بدهد. آقا خب زیاده‌ها را سر ساعت بیرون بگذارید دیگر!  
**اسفند:** دمای هوا این هفته افزایش ناچونامردانه‌ای خواهد داشت و اذیت تان می‌کند. البته همه‌مان را اذیت می‌کند ولی باشد، شما را بیشتر. اگر گفتید این هفته در این هوای گرم و دلپذیر چه می‌چسبید؟ نه خیر، منظورم جای نیست، هی همه‌تان همین را می‌گویید. هندوانه می‌چسبد، بستنی می‌چسبد، البته از این ارزان‌هایش!



محمد اسدی

**اصل حکایت**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند.  
سر برآورد و گفت: من آمم که من دانم.  
**تندیس نواضع**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند.  
سر برآورد و گفت: تازه روزه هم هستم.  
**بزرگ بعدی**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند.  
بزرگ دیگری سربرآورد و گفت: پس من چی؟  
**نه تا این حد!**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند.  
سر برآورد و گفت: حال که چنین است، یارانه این ماه‌تان را به من بسپارید.  
جمله گفتند: اوه اوه غدایمان روی بار است.  
و گریختند.  
**بزرگ بی اعصاب**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند که زبان حیوانات داند و با ۱۷ گونه از آنان مصاحبت کند.  
سر برآورد و گفت: با احتساب شما زبان نفهم‌ها می‌شود ۱۸ گونه.  
**چه سری، چه دمی، عجب پایی**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند.  
قالب پنیر را زیر جامه برد و گفت: این کلک‌ها قدیمی شده است.  
**چه خبرتونه؟**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند.  
سر برآورد و گفت: هاله نور هم دارم.  
**عزیزم کجایی؟ دقیقاً کجایی؟**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند که وی با درهمی، کسب و کاری راه بیندازد. جمله یاران خزان گردیدند و برگ‌هایشان ریخت.  
سر برآورد و گفت: حق دارید تعجب کنید؛ چون آموزش ندیده‌اید.  
**قدر گاو بچه شیرده!**  
یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند که هیچ طعام می‌نخورد و آن را به دیگران بخشد.  
سر برآورد و گفت: من آمم که عاشق مرغ بریانم.  
و آن چنان خورد که فی‌الجمله نماد از سایر خوراکی، طعامی که نخورد و خورشتی که نبرد.  
**زیاد نه، بسیار زیاد!**  
یکی را از نامزدها به محفلی اندر همی ستودند و در تعداد آرایش مبالغه می‌کردند که وی فرزند فلان دیار است و داماد بهمان آبادی. سر برآورد و گفت: ناموسا پس اینجانب برنده قطعی انتخابات با نسبت آرای بسیار زیاد می‌باشم و انصاف از این مایخولیا چندان فروگفت که بیش طاقت گفتنش نماند و ستون ما نیز تمام گشت!



بهزاد توفیق‌فر

برخلاف تصور همه مردم و من، اختلاف طبقاتی، ربطی به ساختمان طبقات آن ندارد و مسأله‌ای اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - سیاسی - هنری - تاریخی - علمی است! یعنی یک جورهایی به همه چیز ربط دارد غیر از ساختمان و طبقات آن. مثلاً همین کاریکاتور زیر را که از هفته‌نامه توفیق، ۳۱ خرداد ۱۳۴۱ انتخاب شده است، ببینید. درست است که توی آن دو تا ساختمان (با یک ساختمان و یک چیزی شبیه ساختمان) وجود دارد، اما در واقع دارد اختلاف طبقاتی را نشان می‌دهد و نظرش این است که در هر دو صورت، کلاه یک یا چند نفر از سرشان افتاده یا از سرشان برداشته شده یا کلاه‌شان پس معرکه است. عیناً همان وضعیت، الان برای مستأجرها - فقط برای مستأجرها - تکرار تاریخ شده است و هی هم دارد تکرار تاریخ‌تر می‌شود. و این تکرار، نتیجه یک تکرار است که قبلاً تکرار شده و حالا برخی صاحبخانه‌های نامرد، دارند آن را تکرار می‌کنند و این داستان، همچنان تکرار می‌شود.  
**تکرار اجاره‌بها**  
مروزی بر مطبوعات طنز قدیمی ایران

